

امروز شما

در حال حاضر هدف اصلی شما این است که در زمینه حرفه‌ای و در اجتماعی که قرار دارید شناخته شوید و مورد تأیید قرار بگیرید، اما حاضر نیستید در این راه همه چیز را فدا کنید.

شما در محل کارتان احساس بی‌قراری می‌کنید، اما این بی‌قراری و بی‌حوصلگی به خاطر این نیست که از شغل خود راضی نیستید. شما فقط دوست دارید به تعطیلات بروید و کمی استراحت کنید، اما این فرصت برای‌تان فراهم نمی‌شود.

نداشتن مکالمات و ارتباط کافی بین شما و نزدیکانتان ممکن است باعث بروز سوء تفاهم‌هایی بین شما شود. شاید در حال حاضر اهمیت این موضوع برای‌تان چندان آشکار نباشد، اما این نقاط ابهام در رابطه‌تان قطعاً روی آینده این رابطه تأثیرگذار خواهند بود.

امروز شما با افراد جدیدی آشنا خواهید شد که دوستی با آنها در عین این که بسیار هیجان‌انگیز است برای شما شبیه به یک رقابت نیز هست. شاید این افراد از فرهنگ، مذهب، تحصیلات و یا نژادی کاملاً متفاوت با شما باشند، اما شما خودتان را از لحاظ ذهنی و فکری به آنها خیلی نزدیک احساس می‌کنید.

امروز فرصتی به سراغ‌تان خواهد آمد که باعث می‌شود به‌طور جدی به تغییر شغل و حرفه خود فکر کنید. تا به حال به هر کاری هم که مشغول بوده‌اید، اکنون آموزش و ادامه تحصیل برای‌تان اهمیت زیادی پیدا خواهد کرد.

امروز شروع‌های تازه‌ای را برای شما به همراه خواهد داشت، به‌ویژه وقتی پای سفر، تحصیلات و مسائل حقوقی در میان باشد. شاید مجبور به گرفتن تصمیم‌های مهمی باشید که برای‌تان بسیار دشوار هستند.

روایهای امروزتان بیش از آن که نقشه‌ای برای رسیدن به آینده آلتان باشند خیال‌پردازی و فانتزی‌های بی‌اساس هستند. برای این که به خواسته‌های خودتان برسید باید هر چیز اضافی را فراموش کرده و فقط روی اولویت‌های اصلی‌تان متمرکز شوید.

کلمه‌هایی که در حال حاضر به کار می‌برید آثار بلندمدتی خواهند داشت، پس به نفع‌تان است که وقتی به رفتار عصبی‌کننده یکی از اطرافیان‌تان واکنش نشان می‌دهید مواظب تن صدایتان باشید و از بروز انرژی منفی تا جایی که می‌توانید خودداری کنید.

امروز ایجاد تعادل بین نیازهای خودتان و اطرافیان‌تان کار بسیار دشواری به نظر می‌رسد. در حال حاضر رسیدن به هرگونه نتیجه‌ای در بحث‌های جدی کاری تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسد.

امروز سیستم عصبی شما به شدت حساس شده است و فشارهای روانی مرتبط با کارتان اعتمادبه‌نفس‌تان را به خطر انداخته‌اند.

ممکن است در محل کارتان با درس‌هایی روبرو شوید. برخی از همکارانتان از یکدیگر بیزار هستند و هیچ‌گونه اعتمادی به هم ندارند و در نتیجه کار کردن با هم دیگر برای آنها غیرممکن است.

شاید امروز بین شما و یکی از نزدیکان و یا همسایگانتان درگیری لفظی ایجاد شود. توانایی فوق‌العاده شما در کنار آمدن با دیگران قطعاً در این وضعیت به کارتان خواهد آمد. اگر دقت کافی نداشته باشید این وضعیت می‌تواند به یک نبرد تمام‌عیار تبدیل شود.

سمیرا حسن پور بازیگر نقش مرضیه در فصل دوم دلدادگان: برای نقش مرضیه از مادر بزرگم الگو گرفتم



ساخته شدن سریال‌های تاریخی چون دلدادگان جقدر می‌تواند در حفظ این تاریخ موثر باشد و با توجه به پیش شدنش از تلویزیون، تلنگری به مخاطبان بزند؟
 به نظر من می‌تواند. تاریخ فرهنگ است و کار تلویزیون هم فرهنگسازی. فرهنگ درست هر چیزی باید توسط رسانه رواج داده شود. باید به نسل جدید بگویم این شیوه ارتباطات جمعی که شما در پیش گرفته‌اید، درست نیست. نمی‌گویم گذشته صددرصد درست بوده، قطعاً ایراداتی هم داشته است؛ اما می‌شود از خوبی‌هایش درس گرفت و اعتدال را رعایت کرد.

در هفته‌ای که گذشت، پخش فصل دوم از مجموعه نمایشی دلدادگان هم به پایان رسید و داستان این اثر بلافاصله وارد وقایع و ماجراهای فصل سوم - که دوباره در زمان حال می‌گذرد - شد. دلدادگان مجموعه پرکار، زمان‌بر و پرستاره این شب‌های شبکه سه سیماست که پس از پیش تولید و تولیدی یک ساله، در این مدت پخش، فراز و فرودهای گوناگونی را تجربه کرده و با نقدها و تعریف‌هایی از جانب مخاطبان و منتقدان همراه بوده است.

با این حال تقریباً همه آتهایی که مجموعه را دیده‌اند، به این نکته اذعان دارند که فصل دوم مجموعه که در فضایی تاریخی می‌گذشت و فلاش‌بکی به ماجراهای گذشته شخصیت‌ها بود، از کیفیت ساختی بالاتر از فازهای دیگر برخوردار بود و از قضا در هنگام پخش پرمخاطب‌تر هم واقع شد. آرش مجیدی، سمیرا حسن پور، حمید گودرزی و لیندا کیانی از جمله بازیگران اصلی این فاز بودند که بازی‌های خوبی را در آن فضای تاریخی از خود به نمایش گذاشتند.

سمیرا حسن پور بازیگر نقش مرضیه در این مجموعه بازی قابل قبولی از خود ارائه داد و حال در گفت‌وگو با جام‌جم از علاقه‌اش به این فضای تاریخی و چالش‌های بازی در نقش مرضیه سریال می‌گوید.

اولین سؤال را با نحوه پیوستن‌تان به مجموعه شروع می‌کنم. چه عاملی به حضور در دلدادگان ترغیب‌تان کرد و جذابیت اصلی نقش مرضیه را در چه دیدید؟
 وقتی فیلمنامه را خواندم، متوجه شدم نقش خوبی است و از چالش کافی برخوردار است. این نقش و در کل فضای داستان مربوط به دهه قبل است؛ دهه‌ای که من در آن زندگی نکرده‌ام و این قضیه را خیلی دوست داشتم. در مجموع به فضاهای تاریخی علاقه‌ای خاص دارم و در عین حال به چالش‌های شخصیت مرضیه، ارتباط با دوستانش، کشمکش‌هایی که در این دوستی ایجاد می‌شود و نیز اعتقاداتش علاقه داشتم.

دلیل این علاقه تاریخی چیست؟ گذشته برای‌تان چه ویژگی‌هایی دارد که احساس می‌کنید جایش در شرایط امروز خالی است؟
 مجموعه‌ای از دلایل هست که به نظر من وجود برخی آدم‌هاست. مثلاً شخصی را می‌بینید یک کاسه گل مرغی قدیمی یا یک کوزه را دوست دارید... آن سبک لباس پوشیدن و راه رفتن و آداب معاشرت و تمام چیزهایی که در قدیم بود و من در زمان کودکی‌ام در نسل‌های قدیم می‌دیدم. احساس می‌کنم آن وقت‌ها زندگی رنگ و بوی دیگری داشت. به معنای واقعی کلمه زندگی بود و درگیر این فضاهای ماشینی و دیجیتال و ارتباطات پیچیده نشده بود. آن روزها آدم‌ها با عشق و علاقه برای هم نامه می‌نوشتند و ماماها انتظار می‌کشیدند تا جوابش برسد. این روزها آدم‌ها در کنار هم جمع شده‌اند، اما هر کسی یک گوشی تلفن همراه در دستش است و دارد در صفحات مجازی ابراز علاقه می‌کند. البته نمی‌گویم من تافته جدا بافته هستم؛ من هم یکی از همین آدم‌ها شدم. حرف من این است که در قدیم زندگی‌ها این‌گونه نبود و همه دور هم جمع می‌شدند و یکدیگر را می‌دیدند.

اصلاً به نظر‌تان دلدادگان توانست آن فضای تاریخی را درست به تصویر دریاورد؟ یا فقط تصویری کم‌عمق و تزئینی از زمان گذشته بود؟
 به نظر من سریال در فصل دومش توانست خیلی خیلی بیشتر از فصل اول (زمان حال) در جذب مخاطب موفق باشد. اگر تاریخ خوب به تصویر کشیده شده و درست ارائه شود، مخاطبان را جذب می‌کند. من در این مدت نظرات مثبت زیادی در صفحه مجازی‌ام دیده‌ام و همه ناراحت بودند چرا فصل دوم این‌قدر زود تمام شد. این نظرات انرژی جیبی به من بخشید.

من راضی بودم و از اعتمادی که منوچهر هادی، کارگردان این مجموعه تلویزیونی به من کرد، ممنونم. با این حال در حیطه جنبه‌های فنی اثر تخصصی ندارم و معتقدم هر کسی سبک و نگاهی دارد.

اما ایراداتی هم داشت و برای مثال انسجام بخش‌های مختلف قصه خیلی کم بود...
 اصلی‌ترین دلیل این قضیه ساعت پخش بد آن بود. به دلیل پخش مسابقات فوتبال و بعد ایام تاسوعا و عاشورا و تعطیلات دیگر، مجموعه پخش نمی‌شد و رشته داستان مدام از دست می‌رفت و مخاطب حق داشت گریخ بشود. خیلی‌ها می‌گفتند ما خط قصه را گم کرده‌ایم و این پخش نامنظم به ما آسیب زد.

عقیده من این است که مجموعه دلدادگان بن‌مایه قوی دارد و ایده اولیه‌اش خوب است، اما ربط میان زمان گذشته و حال در آن ضعیف است و ارتباط این دو فضا با هم خوب از کار درنیامده است. خودتان این قضیه را قبول دارید؟ نقدی نسبت به آن شنیده‌اید؟
 به نظر من نقد بی‌راهی نیست و تا حدی درست می‌گویید. خودم هم احساس می‌کردم اگر مجموعه از زمان قدیم شروع می‌شد و بعد به زمان حال می‌آمد، بهتر بود و شاید می‌توانست مخاطب را بهتر همراه کند. این فلاش‌بک کمی دیر اتفاق افتاد و مخاطبان سردرگم شدند.

با توجه به علاقه‌ای که به تاریخ دارید، احتمالاً ترسیم درست نقش مرضیه برای‌تان کار دشواری نبوده است. برای بهتر به تصویربرداری آوردن نقش جقدر به خاطرات کودکی خودتان و اطرافیان‌تان رجوع کردید؟
 خیلی زیاد. از مادر بزرگ و خاله‌هایم الگو گرفتم. یادم هست وقتی کودک بودم، مادر بزرگم در کوچکی‌ها بی‌بست زندگی می‌کرد. آن وقت‌ها همسایه‌ها با هم معاشرت داشتند و حتی وقت‌هایی که مادر بزرگم تنها بود، دختر یکی از همسایه‌ها می‌آمد و شب‌ها پیشش می‌ماند. درست مثل مرضیه سریال که به دیدن عزیزخانم می‌رفت و این قضیه برایم کاملاً ملموس بود. عده‌ای به من نقد کردند و گفتند این رفتار کلیشه‌ای است... انگار آن دوران را ندیده‌اند و یادشان رفته میان مردم جقدر محبت وجود داشت.

آن زمان‌ها همسایه‌های همسایه‌اش را داشت و این‌ها اتفاقاتی است که در مقایسه با زندگی‌های امروزمان که ممکن است اسم همسایه واحد بغلی‌مان را هم ندانیم، خیلی قشنگ‌تر بود.

به نظر خودتان در مجموع شخصیت مرضیه جقدر باورپذیر بوده و این مثبت بودن او کلیشه‌ای نبود؟
 من از شما می‌پرسم؛ به نظر‌تان من در بازی‌ام شعار دادم؟
 نه، خوب چه کردید که این اتفاق نیفتاد؟
 با خودم فکر کردم هر آدمی بالاخره در بخش‌هایی از زندگی‌اش خوب است و در بخش‌هایی بد. من ویژگی‌های منفی هم در مرضیه می‌دیدم. مثلاً وقتی حرف از ازدواج بود و فرزانة (لیندا کیانی) می‌گفت من خواستگار زیاد دارم، شاید مرضیه در دلش حسودی می‌کرد. چون این رفتارها را در او حس می‌کردم، در نتیجه به سمت شعار نرفتم. من در زندگی واقعی‌ام هم نمی‌توانم شعار بدهم و هر اتفاقی را باید در ابتدا خودم درک کنم.

یادداشت اینستاگرامی سید حسن خمینی برای بهرام شفیع



پنج شبی ی قبل بود که بعد از مدت‌ها مرحوم آقای بهرام شفیع را در حرم امام دیدم. دیدار طولانی و شیرینی بود. ایشان یسر خاله پدرم بود و به همراه دو دایی خوشی که دایی‌های مرحوم پدرم هم هستند، تشریف آورده بودند. از سال‌های دهه شصت و برنامه‌ی ورزش و مردم و قصه‌های مختلف سخن رفت. از فرزندش که معلوم بود به او می‌نازد هم سخن می‌گفت. قرار بود یک شبه مطلبی را از من جویا شود که تلفن نزد دیروز خبر تلخ درگذشتش را شنیدم. خدا ایشان را با اولیاء خود محشور گرداند و به خانواده محترمشان صبر و اجر عنایت فرماید.

تصویری بی‌نظیر از بازی‌های پارآسیایی جاکارتا



به گزارش جام جم آنلاین، ورزشکاران ایرانی هر ۳ مدال این رشته را نصیب خود کردند. در رقابت‌های گروه B۲ و B۳ بانوان عاطفه تقوی با ۵،۵ امتیاز عنوان قهرمانی و مدال طلا را به دست آورد. فریبا زنده بودی با ۵ امتیاز به مدال نقره رسید و فاطمه برقول نشان برنز را از آن خود کرد. درخشش خیره‌کننده شطرنج‌بازان بانوی کشورمان سبب شد تا مدال طلای تیمی رقابت‌های شطرنج استاندارد نیز برای ایران به ارمغان آید. در مسابقات B۱ بانوان، لیل زارع‌زاده به مدال برنز رسید و در بخش تیمی شطرنج‌بازان بانوی نابینای ایران خانم‌ها ملیحه صفایی، لیل زارع‌زاده و زهرا محمدی راد، به مدال نقره تیمی دست یافتند.

مجمسه ابوعلی سینا در اسپانیا رونمایی شد



یارب از ابره‌هدایت برسان بارانی
 واوست که بالان را بعد از آنکه نومید شدند فرو فرست
 و رحمت خویش را می‌پراکند و او سرپوشش ستوده است.
 شوری آیه ۲۸
 وَهُوَ الَّذِي يَنْزِلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قُتِلُوا
 وَيُنْشِئُ رَحْمَةً وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ

مجمسه ابوعلی سینا که در تهران ساخته شده بود، توسط مسئولان شهری در دانشگاه آتونومای مادرید در اسپانیا رونمایی شد. به گزارش جام جم آنلاین از فارس، مجسمه ابوعلی سینا با حضور احمد مسجدجامعی عضو شورای شهر تهران، برزین ضرغامی رئیس سازمان زیباسازی شهرداری تهران و رابین فرهنگی ایران در اسپانیا در دانشگاه آتونومای مادرید رونمایی شد. این تندیس با همکاری سازمان زیباسازی تهران ساخته شده است.